

A jurisprudential study of the criminalization of privacy violations by artificial intelligence

Abstract

Violation of privacy by artificial intelligence has become one of the major challenges of the digital age due to the increasing spread of smart technologies and their ability to collect and analyze personal data. This issue not only threatens individual rights, but also requires in-depth investigation from the perspective of Islamic jurisprudence due to its conflict with moral and religious principles. The present study aims to analyze the jurisprudential criminology of this phenomenon and seeks to answer the question of whether privacy violations by artificial intelligence can be considered a crime within the framework of Islamic jurisprudence. This study was conducted using an analytical-descriptive method and using jurisprudential and fundamental sources, and its necessity lies in explaining the religious limits of using new technologies and protecting human dignity. The findings of the study show that AI in the current situation violates privacy by infiltrating personal information and analyzing it without consent, and this violation can lead to the spread of prostitution and damage to the dignity of individuals. Also, unauthorized entry into the home, as a sacred space, is condemned from a jurisprudential perspective. This study argues that respecting dignity and preventing moral corruption provide solid foundations for criminalizing this act in Islamic jurisprudence. Consequently, it is necessary to formulate religious and legal regulations to limit the abuses of AI in order to establish a balance between technological progress and the protection of individual rights.

Keywords: Privacy violation, Artificial intelligence, Islamic jurisprudence, Criminalization, Dignity of individuals, Spreading prostitution.

بررسی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی افراد توسط هوش مصنوعی

#	نام	پست الکترونیکی	تحصیلات	رتبه علمی	شماره تلفن	وابستگی سازمانی	نام / English	وابستگی سازمانی / English	عملیات	ذخیره
1	فتحی، مرتضی *	m99fathi@yahoo	دکترای تخصصی	استادیار	09124204933	استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران	fathi morteza	Assistant Professor, Faculty of Law, University of Qom Qom Iran	 	
2	اکرمی، روح اله	r.akrami@qom.	دکترای تخصصی	دانشیار	09127485764	استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران	Akrami Ruhollah	Associate Professor, Faculty of Law, University of Qom Qom Iran	 	
3	احمد، یوسف	yusfahmadaba	دکترای تخصصی	سایر	09127533619	دانش آموخته دکتری حقوق کیفری دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران	Ahmadabadi yousef	PhD in Criminal Law Faculty of Law University of Qom Qom Iran	 	

چکیده

پیشرفت شگرف فناوری هوش مصنوعی و توانایی بی‌مانند آن در گردآوری، پردازش و تحلیل داده‌های شخصی، نقض حریم خصوصی را به یکی از مسائل محوری و چالش‌برانگیز عصر دیجیتال بدل کرده است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از منابع غنی فقهی و اصولی، به کاوش در جرم‌انگاری این پدیده در چارچوب فقه اسلامی پرداخته و ابعاد گوناگون آن را مورد مذاقه قرار داده است. یافته‌ها حکایت از آن دارند که هوش مصنوعی، با نفوذ غیرمجاز به اطلاعات شخصی و بهره‌برداری از آن‌ها بدون رضایت آگاهانه و صریح، نه‌تنها حریم خصوصی افراد را مخدوش می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز لطمه به حیثیت انسانی و اشاعه مفاسد اخلاقی می‌گردد. افزون بر این، تعارض میان مصلحت عامه، همچون ارتقای امنیت عمومی و دستاوردهای پزشکی و حق بنیادین حریم خصوصی، در سایه ابهام رضایت‌های اخذشده و پیچیدگی الگوریتم‌های جعبه سیاه، پرسش‌های فقهی نوینی را پدید آورده است. این مسائل، تأمل عمیق در قواعد فقهی نظیر تراحم، مصلحت اهم، و شروط صحت اذن و عقود را طلب می‌کند. پژوهش حاضر استدلال می‌ورزد که احترام به کرامت ذاتی انسان، پیشگیری از فروپاشی ارزش‌های اخلاقی، و صیانت از حریم مقدس منزل، بنیان‌های استواری برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی در فقه اسلامی فراهم می‌آورند. از این‌رو، تدوین ضوابط شرعی و قانونی مبتنی بر شفافیت عملکرد الگوریتم‌ها، اخذ رضایت آگاهانه و روشن، و نظارت دقیق شرعی بر کاربردهای این فناوری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای برقراری توازن میان پیشرفت‌های فناورانه و پاسداشت حقوق فردی و ارزش‌های والای اسلامی است. همکاری میان فقها، حقوق‌دانان و متخصصان فناوری می‌تواند چارچوبی

منسجم و مسئولانه برای مواجهه با این پدیده نوظهور عرضه کند و از حقوق انسانی و اخلاقی جامعه در این دوران پرشتاب دیجیتال حراست نماید.

واژگان کلیدی: اشاعه فحشا ، جرم انگاری ، حیثیت افراد ، فقه اسلامی ، نقض حریم خصوصی ، هوش مصنوعی

۱. مقدمه

در عصر حاضر، پیشرفت‌های چشمگیر فناوری به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی (AI) تحولی عظیم در زندگی بشر ایجاد کرده است. این فناوری، ضمن ارائه امکانات بی‌سابقه، چالش‌هایی نوین را نیز به همراه آورده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نقض حریم خصوصی افراد است. هوش مصنوعی با توانایی جمع‌آوری، تحلیل و بهره‌برداری از حجم عظیمی از داده‌های شخصی، می‌تواند به‌صورت آگاهانه یا ناخواسته مرزهای حریم خصوصی را مورد تعرض قرار دهد. این موضوع از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه، پرسش‌هایی اساسی را مطرح می‌کند: آیا چنین تعرضی به حریم خصوصی افراد می‌تواند مصداق جرم تلقی شود؟ مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری این پدیده چیست؟ و چگونه می‌توان میان بهره‌مندی از مزایای هوش مصنوعی و حفظ حقوق بنیادین افراد تعادل برقرار کرد؟ از منظر فقه اسلامی، حریم خصوصی به‌عنوان یکی از اصول مورد تأکید در شریعت، ریشه در آیات قرآن کریم (مانند آیه ۲۷ سوره نور درباره احترام به حریم خانه‌ها) و احادیث نبوی (همچون نهی از تجسس در امور شخصی) دارد. این اصول، هرگونه تعرض به حوزه شخصی افراد را بدون مجوز شرعی حرام می‌دانند. با این حال، پیچیدگی‌های فنی هوش مصنوعی مانند الگوریتم‌های خودکار تشخیص مصداق نقض حریم خصوصی و تطبیق آن با احکام فقهی را دشوار می‌سازد. برای مثال، آیا استفاده از داده‌های شخصی بدون رضایت صریح فرد، مصداق سرقت یا خیانت در امانت است؟ یا افشای اطلاعات توسط هوش مصنوعی می‌تواند ذیل قواعد حرمت غیبت و هتک حرمت بررسی شود؟ این پرسش‌ها زمانی پیچیده‌تر می‌شوند که به ماهیت غیرملموس و فراگیر هوش مصنوعی توجه کنیم. برخلاف تعرض‌های سنتی به حریم خصوصی که اغلب دارای عامل انسانی مشخص و محدوده‌ای معین بودند، نقض‌های ناشی از هوش مصنوعی می‌توانند در مقیاسی گسترده و به‌صورت پنهان رخ دهند. برای نمونه، سیستم‌های نظارتی هوشمند یا الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده رفتار، قادرند بدون اطلاع فرد، اطلاعات حساس او را استخراج کرده و در اختیار نهادها یا اشخاص ثالث قرار دهند. این امر نه تنها به نقض حریم شخصی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند پیامدهایی چون لطمه به حیثیت افراد، ترویج مفاسد اخلاقی و حتی تضعیف اعتماد اجتماعی را در پی داشته باشد. از منظر فقه اسلامی، چنین پیامدهایی با قواعدی چون حفظ عرض و جلوگیری از اشاعه فحشا ارتباط مستقیم دارند و ضرورت بازنگری در رویکردهای شرعی به این فناوری را مطرح می‌سازند.

علاوه بر این پرسش‌های بنیادین، یکی از چالش‌های کلیدی در مواجهه با هوش مصنوعی، تعارض میان مصالح عمومی ناشی از کاربرد این فناوری (مانند ارتقای امنیت، پیشرفت‌های پزشکی، و بهینه‌سازی خدمات) و حق بنیادین حریم خصوصی افراد است. این تعارض زمانی پیچیده‌تر می‌شود که رضایت کاربران، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و عدم شفافیت در استفاده از داده‌ها، ممکن است فاقد شروط فقهی رضایت آگاهانه (مانند علم به موضوع، قصد، و اختیار) باشد. همچنین، ماهیت «جعبه سیاه» بسیاری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، مسئله احراز مسئولیت فقهی در قبال سوءاستفاده‌های احتمالی را مطرح می‌کند. این پژوهش تلاش دارد تا ضمن بررسی مبانی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی، به این چالش‌های نوین پرداخته و چارچوب‌های فقهی برای حل آن‌ها ارائه دهد.

این پژوهش با هدف بررسی مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، درصدد است تا ضمن تحلیل اصول شرعی و قانونی، پیشنهادهایی برای رفع خلأهای موجود ارائه دهد. ضرورت این تحقیق نه تنها در تبیین حدود شرعی و قانونی این پدیده، بلکه در ارائه راهکارهایی برای حفظ کرامت انسانی در عصر دیجیتال نهفته است. بدین ترتیب، این مطالعه می‌تواند گامی در جهت هم‌افزایی فقه پویا و حقوق مدرن باشد.

۲. مفهوم‌شناسی نقض حریم خصوصی

اصطلاح نقض حریم خصوصی از سه واژه «نقض»، «حریم» و «خصوصی» تشکیل یافته است، لذا برای ارائه مفهوم جامع از آن باید معنای لغوی و اصطلاحی واژگان مذکور تبیین گردد، سپس با استفاده از معنای بدست آمده، تعریفی جامع از نقض حریم خصوصی ارائه نماییم.

از منظر لغوی، واژه «نقض» در زبان فارسی به معنای «شکستن»، «ابطال کردن» یا «تجاوز به حدود چیزی» است. در فرهنگ لغت دهخدا، «نقض» به‌عنوان عملی تعریف شده که به معنای زیر پا گذاشتن یک تعهد، قانون یا حق باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۹۴۵۲). این مفهوم در بستر حریم خصوصی می‌تواند به معنای ورود غیرمجاز به حوزه‌ای باشد که فرد انتظار حفظ آن را دارد.

بنابراین، «نقض» در ارتباط با حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه اقدام غیرمجاز یا غیرقانونی که از طریق فناوری هوش مصنوعی منجر به دسترسی، پردازش، یا افشای اطلاعات شخصی افراد بدون رضایت آگاهانه آن‌ها شود و حق کنترل فرد بر داده‌هایش را مختل کند.» این تعریف هم ریشه لغوی

(شکستن حدود) و هم جنبه اصطلاحی (تهدید حقوق فردی در بستر فناوری) را در بر می‌گیرد.

«حریم» در لغت عرب از ریشه «حرم» بوده و به دو صورت استعمال می‌شود:

الف: مفرد: به معنای شریک و دوست (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۶، ص ۱۴۳) و چیزی که لمس آن حرام است و نباید به آن نزدیک شد (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۲۲۲).

ب: مرکب: گاه به مال و گاه به انسان اضافه می‌شود. در صورت اضافه به مال به معنای اطراف و پیرامون است مثل «حریم خانه» که به زمین اطراف آن گفته می‌شود که برای استفاده کامل از خانه به آن نیاز است^۱ و در صورتی که به انسان اضافه شود به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید.^۲

دهخدا ذیل کلمه «حریم» می‌گوید: چیزی که حرام باشد و دست بدان نتوان زد، چیزی که آن حمایت کنند و جنگ کنند بر آن. وی با نقل از برخی کتب اضافه نموده که: اصلاً این کلمه را به حریم چاه و اطراف آن اطلاق می‌کرده‌اند و سپس جای ممنوع و منهی‌التقرب را بدین نام نامیدند. هم‌چنین کسانی که عرض شخص به شمار می‌روند حریم نامیده می‌شوند. به نظر خدا «خصوصی» در مقابل «عمومی» قرار دارد و اتاق خصوصی اتاقی است که مخصوص فرد باشد و دیگران بدان حق نداشته باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۸۹۰۴).

منظور از حریم خصوصی آن توقعی است مبنی بر این که اطلاعات محرمانه شخصی که در یک محیط خصوصی فاش می‌شود برای اشخاص ثالث چنانچه موجب افشای آن موجب ناراحتی یا جریحه‌دار شدن احساسات شخصی با عواطف معمولی گردد، افشا نخواهد شد. منظور از «اطلاعات» نیز معنای اعم از عکس و فیلم و غیر آن می‌باشد. حق حریم خصوصی تنها متعلق به افراد است و در مورد اشخاص حقوقی، مانند شرکت‌های تجاری، غالباً عدم افشای اطلاعات و اسرار شغلی ایشان مدنظر است که جنبه مادی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ش ۷۲، ص ۸۶).

به عبارت دیگر، حریم خصوصی به معنای داشتن محیطی مصون از دخالت و تعرض اغیار است که امروزه در کلیه جوامع متمدن پذیرفته شده و مورد حمایت قرار گرفته است، زیستن در حکومت قانون مستلزم این انتظار معقول است که حریم خصوصی افراد در تمامی ابعاد و مصادیق آن مصون و محترم بماند. این اصل در منابع اصلی شریعت اسلامی مقبول و مورد تأیید و تأکید قرار گرفته و مصادیق گوناگونی از حمایت قانون از

حریم خصوصی در قوانین و مقررات موضوعه جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است (همان، ص ۱۱۶).

با توجه به موارد فوق، «حریم خصوصی» در ارتباط با هوش مصنوعی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «حق طبیعی و قانونی فرد برای حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی، کنترل دسترسی به آن‌ها، و محافظت از خودمختاری و کرامت انسانی‌اش در برابر نفوذ یا سوءاستفاده فناوری‌های هوشمند، به‌ویژه هوش مصنوعی.»

با توجه به تعاریف ارائه‌شده برای «نقض» و «حریم خصوصی»، «نقض حریم خصوصی» را می‌توان به‌صورت جمع‌بندی این‌گونه تعریف کرد: نقض حریم خصوصی عبارت است از هرگونه اقدام غیرمجاز یا ناخواسته که به‌واسطه آن، کنترل فرد بر اطلاعات شخصی، فضای زندگی یا خودمختاری‌اش مختل شود، و این امر از طریق دسترسی، جمع‌آوری، پردازش یا افشای داده‌ها بدون رضایت آگاهانه او صورت گیرد، به‌ویژه در بستر فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی که قادر به نفوذ به حوزه‌های محرمانه زندگی افراد هستند.

۳. نقض حریم خصوصی افراد در حال حاضر به وسیله هوش مصنوعی

در حال حاضر، سیستم‌های هوش مصنوعی از طریق الگوریتم‌های پیشرفته‌ای مانند یادگیری عمیق (Deep Learning) و تحلیل کلان‌داده‌ها (Big Data Analytics) قادر به استخراج اطلاعات حساس افراد، از جمله رفتارها، عادات، موقعیت جغرافیایی و حتی احساسات آن‌ها هستند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۵). به عنوان مثال، استفاده از فناوری شناسایی چهره (Face recognition) در دوربین‌های نظارتی، بدون رضایت صریح افراد، به یکی از مصادیق بارز نقض حریم خصوصی تبدیل شده است. این فناوری که در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، در حال گسترش است، می‌تواند اطلاعات هویتی افراد را بدون اطلاع آن‌ها ثبت و ذخیره کند (کریمی، ۱۴۰۰، ج ۱۲، ص ۷۸).

از طرفی هم هوش مصنوعی (AI) با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیشرفته مانند یادگیری ماشین (Machine learning) و تحلیل کلان‌داده‌ها، توانایی جمع‌آوری و پردازش اطلاعات شخصی را در مقیاس وسیع دارد. این فناوری از طریق ابزارهایی نظیر شناسایی چهره، بدون رضایت افراد، هویت و موقعیت آن‌ها را ثبت می‌کند (کریمی، ۱۴۰۰، ج ۱۲، ص ۸۰). همچنین، سیستم‌های پیشنهاددهنده (Recommendation Systems) در شبکه‌های اجتماعی با تحلیل رفتار کاربران، پروفایل‌های دقیقی از خصوصیات آن‌ها ایجاد می‌کنند که اغلب بدون آگاهی کامل فرد صورت می‌گیرد (یزدانی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳). این داده‌ها ممکن است به شرکت‌ها یا دولت‌ها فروخته شود و حریم خصوصی را

نقض کند (West, ۲۰۲۱, p. ۳۵). فقدان قوانین شفاف در ایران این تهدید را تشدید کرده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۷).

علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های کاربردی مبتنی بر هوش مصنوعی، مانند سیستم‌های پیشنهاددهنده، با تحلیل داده‌های کاربران، پروفایل‌های دقیقی از علایق و خصوصیات آن‌ها ایجاد می‌کنند. این داده‌ها اغلب بدون آگاهی کامل کاربران و یا با رضایت‌نامه‌هایی مبهم جمع‌آوری می‌شوند که از منظر اخلاقی و قانونی محل بحث است (یزدانی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲). در ایران، با توجه به فقدان قوانین جامع در زمینه حفاظت از داده‌های شخصی، این موضوع به یک خلأ قانونی تبدیل شده که می‌تواند زمینه‌ساز نقض گسترده حریم خصوصی باشد.

این خلأهای قانونی ناشی از عدم تبیین مبانی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی است نگارنده این تحقیق با بررسی ادله فقهی ناظر بر رعایت حریم خصوصی و حرمت نقض آن، مبانی فقهی جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی را ارائه می‌نماید.

با پیشرفت روزافزون فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌ها در حوزه فقه فناوری، مسئله تحلیل داده‌های شخصی کاربران و تطبیق آن با موازین شرعی است. در این میان، سه وضعیت اساسی قابل تصور است که هر یک به‌نوبه خود نیازمند بررسی مستقل فقهی و حقوقی است:

نخست، استفاده صریح از داده‌های فردی است؛ نظیر انتشار تصویر یا صدای یک شخص در محیط‌های عمومی یا در محصولات نهایی هوش مصنوعی، به‌گونه‌ای که این اطلاعات برای اشخاص ثالث قابل رؤیت و تشخیص باشد. در این حالت، با توجه به وضوح نقض حریم خصوصی و افشای هویت فرد، لزوم اخذ رضایت قبلی و آگاهانه از منظر شرعی قطعی است و نقض آن مشمول عنوان هتک حرمت و حتی غیبت یا افشای سرّ می‌گردد. دوم، استفاده غیرصریح از داده‌های فردی است؛ مانند بهره‌گیری از تصویر، صوت یا داده زیستی یک فرد در آموزش مدل‌های یادگیری ماشین، بدون اینکه این داده‌ها مستقیماً در خروجی سیستم قابل تشخیص یا مشاهده باشند. گرچه ممکن است در نگاه اول این نوع استفاده کمتر مخل حریم خصوصی تلقی شود، اما از منظر فقهی، همچنان تصرف در حق فرد بر داده‌هایش است، زیرا اصل سلطه انسان بر اطلاعات خود، نه فقط در برابر افشای خارجی بلکه نسبت به هر نوع بهره‌برداری، حتی درونی و غیربازنمایانه، مورد تأکید نصوص دینی است. قاعده فقهی «الناس مسلطون علی أموالهم» که به تبع آن «علی معلوماتهم و أسرارهم» نیز قابل تعمیم است، تصرف بدون اذن در داده‌ها را ممنوع می‌سازد، حتی اگر اثر این تصرف غیرمستقیم و نامرئی باشد.

سوم، پرسش از لزوم رضایت در استفاده غیرصریح است؛ یعنی آیا در مواردی که داده‌های کاربر تنها برای بهبود عملکرد الگوریتم یا آموزش مدل به کار گرفته می‌شوند - بدون آنکه مستقیماً در نتایج قابل مشاهده باشند - اخذ رضایت لازم است یا نه؟ در پاسخ باید گفت که از منظر فقه شیعه، اصل بر لزوم رضایت است، مگر در موارد نادر و استثنایی که ضرورت شرعی، مصلحت عام یا حکم ولایی حاکم اسلامی، آن را منتفی سازد. چنان‌که قاعده «لاضرر» و «حرمت اضرار» نیز بر این امر تأکید دارند، زیرا ممکن است داده‌ای که در ظاهر بی‌ضرر است، در ترکیب با سایر داده‌ها موجب استنباط اطلاعات حساس یا نقض عرض و حیثیت گردد.

از منظر نگارنده، تمایز میان استفاده صریح و غیرصریح نباید موجب تساهل در مواجهه فقهی با مسئله تحلیل داده‌ها گردد. آنچه در هسته این بحث نهفته، حق حاکمیت فرد بر اطلاعات خویش و شأن انسانی اوست. بهره‌برداری غیرمجاز از این اطلاعات، خواه در معرض دید دیگران باشد یا نه، مصداق تصرف غیرمشروع است که در قیاس با قواعد فقهی مانند «احترام عرض مؤمن»، «حرمت غیبت»، «تحریم تجسس» و «قاعده لاضرر» توجیه‌ناپذیر است. به بیان دیگر، فناوری نباید به بهانه‌ی ناپیدا بودن اثر، از تکلیف به رعایت حرمت اطلاعات شخصی معاف گردد.

در پایان، باید تأکید کرد که صرف مخفی بودن روش‌های بهره‌برداری از داده‌ها، موجب سلب حق رضایت و ساکت کردن قواعد فقهی نمی‌شود؛ بلکه در دنیای امروز، فقه پویا موظف است با عمق‌بخشی به مفاهیم سنتی، مرزهای استفاده مجاز و نامجاز از داده‌های شخصی را بازتعریف کند. چنین بازتعریفی نه تنها در پرتو منابع اصیل دینی امکان‌پذیر است، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مواجهه با دنیای دیجیتال و ابزارهای یادگیری هوشمند است که هر لحظه مرز میان حریم و افشا را در هم می‌شکنند.

یکی از پیچیدگی‌های نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، استفاده از داده‌ها برای مصالح عمومی است که ممکن است با رضایت ظاهری کاربران همراه باشد. با این حال، از منظر فقهی، این رضایت‌ها به دلیل عدم آگاهی کامل کاربران از نحوه استفاده از داده‌ها و پیچیدگی‌های فنی، ممکن است شروط صحت رضایت (مانند علم به موضوع و اختیار) را برآورده نکنند. این مسئله، ضرورت بررسی فقهی اعتبار چنین رضایت‌هایی و تدوین ضوابط شرعی برای استفاده از داده‌ها را مطرح می‌کند.

۴. جلوگیری از اشاعه فحشا

انسان یک موجود اجتماعی است و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود، پاکی جامعه

به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی‌اش. بر همین اساس، شریعت با هر کاری که **جو** جامعه را مسموم و آلوده کند، شدیداً برخورد خواهد کرد. اگر در اسلام غیبت ممنوع شده، به این علت است که عیوب پنهانی دیگران آشکار می‌شود و امنیت روانی و اجتماعی و اخلاقی جامعه به خطر می‌افتد. اگر دستور عیب‌پوشی داده شده، بر این اساس است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند. هوش مصنوعی به دلیل نقض حریم خصوصی بصورت‌های گوناگون مانند: انتشار تصاویر خصوصی افراد زمینه اشاعه فحشا را فراهم می‌آورند، مهم‌ترین ادله در خصوص جرم‌انگاری اشاعه فحشا هوش مصنوعی آیه نوزده سوره مبارکه نور است.

خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)

«کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید!»

اکثریت مفسران معنای «يَجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» را آشکار کردن و منتشر کردن اعمال زشت دیگران در میان مسلمان گرفته، و گفته‌اند: «فِي الَّذِينَ آمَنُوا» متعلق «تشیع» است و «فی» هم به معنای ظرفیت و به معنای «در میان» و «در بین» است. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۲۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۹۳)

مراد از فاحشه هر امری است موافق حق نباشد (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۹۶) و از حد خود تجاوز کرده (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴) و جزو امور قبیح و شنیع مورد کراهت (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۷۸) باشد، چه در محدوده افعال و چه در اقوال را فحشا می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۶). پس فاحشه در لغت و اصطلاح دارای یک معنای عام است، هرچند استعمال آن در زنا شیوع دارد و در قرآن مجید هم گاهی درباره زنا^۱ و گاهی برای عمل لواط^۲ به کار رفته است. شاید این مطلب آیات دیگر از قرآن کریم است، مثل: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» (آل عمران: ۱۳۵) که هرگناه و معصیتی را شامل می‌شود و یا «إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ» (نساء: ۱۹) که شیخ طوسی فرموده بهتر است که فاحشه شامل هر معصیتی بشود، زیرا در اینجا عموم اراده شده است، و با روایتی از امام محمد باقر(ع) نیز مطابقت دارد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۵۰). همچنین درباره اعمال قبیح و زشتی که در جاهلیت مرسوم بود آیه

«وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً» (اعراف / ۲۸) نازل شده است. به عبارت دیگر، اشاعه فحشا منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی‌اساسی را در مورد زن و مرد با ایمانی نشر دهد و آن‌ها را با عمل منافی عفت متهم سازد، گرچه این یکی از مصادیق آن است، این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و کمک به توسعه آن را دربرمی‌گیرد. معنای «اشاعه فحشا» یعنی منتشر کردن خبر فاحشه، چون شیوع از صفات اخبار است، مثل افشا که در مورد خبر به کار می‌رود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۱۴۷).

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «خدای متعال در ضمن چند آیه مشخص می‌فرماید جامعه اسلامی نه تنها امنیت نظامی و مالی، بلکه امنیت حیثیتی هم لازم دارد. امنیت اجتماعی از بهترین نعمت‌های الهی است و به این معناست که افراد جامعه و امت اسلامی احساس امنیت بکنند، یعنی بدانند جان و مال و آبروی آن‌ها محفوظ است، همه باید آبروی یکدیگر را حفظ بکنند چیزی را که شنیدند فوراً منتشر نکنند و چیزی را که شنیدند تا می‌توانند کتمان کنند و اصلاح کنند تا امنیت حیثیت و آبروی مردم در جامعه محفوظ بماند».

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که نقض حریم خصوصی از مصادیق فحشا آیه مذکور است.

در فقه شیعه، جلوگیری از اشاعه فحشا یکی از اهداف اساسی شریعت است که در مواجهه با فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی (AI) و نقض حریم خصوصی، اهمیتی دوچندان می‌یابد. همان‌طوری که بیان شد، قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره نور، اشاعه فحشا را نکوهش کرده و آن را عملی شیطانی می‌داند که برای جامعه مؤمنان زیان‌بار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۱۲). این اصل در موضوع جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، که می‌تواند به انتشار محتوای غیراخلاقی یا افشای اسرار افراد منجر شود، جایگاه ویژه‌ای دارد.

هوش مصنوعی با توانایی‌هایی نظیر پردازش داده‌های شخصی، تولید محتوای جعلی (Deepfake)، یا تحلیل رفتارهای خصوصی، می‌تواند به ابزاری برای ترویج فحشا تبدیل شود. به عنوان مثال، افشای تصاویر یا اطلاعات خصوصی افراد بدون رضایت، که از طریق الگوریتم‌های هوشمند امکان‌پذیر است، مصداقی از اشاعه فحشا است که در فقه شیعه به شدت محکوم شده است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۹۲). امام رضا (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا»، یعنی کسی که فحشا را منتشر کند، مانند آغازگر آن است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۴۵). این روایت، مسئولیت سنگین جلوگیری از انتشار محتوای ناشایست را گوشزد می‌کند.

شیخ مفید در المقنعه اشاعه فحشا را از گناهان کبیره دانسته و بر لزوم برخورد قاطع با عوامل آن تأکید دارد (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۱). در این راستا، استفاده از هوش مصنوعی برای نفوذ به حریم خصوصی و انتشار اطلاعات حساس، مانند ویدئوهای شخصی یا داده‌های خانوادگی، عملی است که نه تنها حرمت افراد را نقض می‌کند، بلکه به فساد اجتماعی دامن می‌زند. مرحوم کرکی در جامع المقاصد نیز با استناد به آیات و روایات، حفظ جامعه از فحشا را وظیفه شرعی حاکم اسلامی دانسته و هرگونه تسهیل در اشاعه آن را مستوجب عقوبت می‌شمارد (محقق کرکی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۱۸۹).

از سوی دیگر، علامه مجلسی در بحار الانوار به نقل از پیامبر (ص) آورده است که: «جلوگیری از فحشا، از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۰۱). در عصر حاضر، سوءاستفاده از هوش مصنوعی برای تولید محتوای غیراخلاقی یا پخش اطلاعات خصوصی، این منکر را تشدید می‌کند. به عنوان مثال، فناوری‌هایی مانند دیپ‌فیک می‌توانند چهره افراد را در محتوای غیرمجاز جعل کرده و به حیثیت و اخلاق جامعه لطمه بزنند، چنین امری در فقه شیعه، تحت هیچ شرایطی، قابل توجیه نیست.

در ایران، گسترش کاربرد هوش مصنوعی بدون ضوابط شرعی، خطر اشاعه فحشا را افزایش داده است. از این‌رو، جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط این فناوری، نه تنها به حفظ حرمت افراد کمک می‌کند، بلکه از منظر فقهی، ابزاری برای تحقق مقاصد شریعت در جلوگیری از فساد اخلاقی است. تدوین قوانین مبتنی بر فقه شیعه برای کنترل این فناوری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا جامعه اسلامی از آسیب‌های اشاعه فحشا مصون بماند.

در مواردی که هوش مصنوعی برای مصالح عمومی (مانند نظارت امنیتی) استفاده می‌شود، ممکن است به دلیل عدم شفافیت در الگوریتم‌ها یا فقدان رضایت آگاهانه، به انتشار محتوای غیراخلاقی یا نقض حریم خصوصی منجر شود. این امر از منظر فقهی، مصداق اشاعه فحشا است و نیازمند تدوین ضوابطی است که تعادل میان مصلحت عامه و جلوگیری از مفاسد اخلاقی را تضمین کند.

۵. احترام منزل

از نظر اسلام ورود به خانه دیگران بدون اطلاع دادن و اجازه گرفتن، حرام است، این حکم که مورد اتفاق نظر میان مسلمانان است مستند به نص قرآنی است که مؤمنان را از چنین کاری نهی کرده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور: ۲۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید!»
علامه طباطبایی در ذیل آیه مذکور می‌گوید:

«انسان گاه در شرایطی قرار دارد که تمایل ندارد هیچ‌کس او را آنگونه ببیند یا از وضع او آگاه شود. رعایت استیذان موجب آن می‌شود که شخص بتواند آنچه را که نمی‌خواهد آشکار باشد، پنهان و مستور سازد و بدین وسیله امنیت خاطر داشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۱۰).

پس «کشف حرام و گناه» را باید به آشکار شدن آنچه خود شخص تمایل به ظهور و بروز آن ندارد، تعمیم داد. این دستور خانه را از نظر حقوقی در حصنی قرار می‌دهد که اشخاص بتوانند با آرامش خاطر زندگی خصوصی داشته باشند. از این رو، این حکم را با حکم لزوم اجازه برای ورود به ملک غیر یا حکم لزوم اجتناب از نگاه به نامحرم نباید خلط کرد.

استاد شهید مطهری هم درباره فلسفه لزوم استیذان می‌گوید:

«هر کس در محل سکونت خود اسراری دارد و مایل نیست دیگران بفهمند. حتی دو نفر رفیق صمیمی هم باید این نکته را رعایت کنند؛ زیرا ممکن است دو دوست یکرنگ در عین یگانگی و یکرنگی، هر کدام از نظر زندگی خصوصی اسراری داشته باشند که نخواهند دیگری بفهمد. بنابراین نباید فکر کرد که دستور استیذان اختصاص دارد به خانه‌هایی که در آن‌ها زن زندگی می‌کند. این وظیفه مطلق و عام است. مردان و زنانی که مقید به پوشش هم نیستند، ممکن است در خانه خود وضعی داشته باشند که نخواهند دیگران آنان را به آن حال ببینند» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۶۹).

به هر حال آیه ۲۷ سوره نور، ما را مطلقاً از ورود بدون اذن و رضایت به خانه دیگران منع می‌نماید. از طرفی هم در اسلام، کسانی که در یک مسکن زندگی می‌کنند و برای ورود به منزل محدودیتی ندارند، مانند اعضای یک خانواده که همه کلید خانه را در اختیار دارند، از نظر حضور در قسمت‌های مختلف خانه با محدودیت‌هایی مواجه‌اند. فرزندان برای حضور نزد والدین در اوقات خاصی باید اذن قبلی داشته باشند و مجاز به حضور سرزده در نزد آنان نیستند. حتی به کودکان خردسال هم که هنوز به بلوغ و تکلیف نرسیده‌اند، باید این ادب را آموخت و آن‌ها را به رعایت آن واداشت.

در قرآن کریم در سه وقت که معمولاً اوقات خلوت والدین به شمار می‌آیند، اجازه گرفتن و استیذان لازم شمرده شده است:

الف) قبل از نماز صبح؛

ب) نیمروز که لباس خود را بیرون می‌آورید؛

ج) بعد از نماز عشاء.

محدودیت حضور در این اوقات برای آن است که والدین از پوشش کمتری استفاده می‌کنند و فرزندان نباید در خلوت و تنهایی آنان مزاحمت ایجاد کنند. البته در مواقع دیگر این محدودیت وجود ندارد و اعضای خانواده برای ارتباط با یکدیگر ممنوعیتی ندارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَةٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نور: ۵۸)

از این آیه فهمیده می‌شود که زندگی خصوصی دارای لایه‌های مختلفی است و ورود به یک لایه به معنی مجاز بودن برای ورود به لایه‌های دیگر نیست.

حکم دیگری که در تأمین امنیت به ویژه مسکن و حفظ حریم خصوصیت نقش مهمی دارد: «حرمت نگاه به داخل خانه دیگران» است و همان‌گونه که ورود فیزیکی به خانه مردم ممنوع است، هیچ کس حق ندارد با نگاه خود وارد خانه دیگری شده، زندگی و روابط آنها را بازبینی کند، این حکم مسلم فقهی مورد توافق همه فرقه‌های اسلامی است. از پیامبر اکرم(ص) نقل است که از نگاه به خانه همسایه و سرکشیدن برای خبرگیری از وضع آنان نهی می‌فرمود.

نکته مهم این است که در فقه اسلامی اجازه داده شده است که بر مبنای مشروعیت دفاع از عرض و حریم زندگی خصوصی اشخاصی که در خانه خود با تعرض نگاه دیگران مواجه می‌شوند به دفاع برخاسته و خودشان با فرد خاطی برخورد کنند. حتی در نصوص دینی اجازه داده شده که صاحبخانه می‌تواند، چشم مزاحم را هدف قرار داده و او را کور کند. این مسئله در فقه شیعه با اجماع و اتفاق نظر مواجه است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰) دلیل این حکم روایات معتبر فراوان هستند، برای مثال امام صادق(ع) در حدیث صحیح حماد بن عیسی فرمود: «بینما رسول الله(ص) فی بعض حجراته اذا اطلع رجل من شق الباب و بید رسول الله(ص) مدرأه، فقال: لو كنت قریباً منك نفقات به عینک» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۶۶)؛ پیامبر(ص) در یکی از اتاق‌های خود نشسته بود که فردی از لای در به داخل اتاق نگاه کرد. رسول خدا(ص) در حالی که چوب‌دستی، در دست داشت فرمود: اگر نزدیکت بودم با همین چوب چشمت را در می‌آوردم.

تحلیل فقها، از روایاتی با مضمون یاد شده که صاحبخانه را مجاز به برخورد خشونت‌آمیز با نگاه‌کننده می‌دانند آن است که این واکنش به دفاع «دفاع» صورت می‌گیرد و محدود

به ضوابطی است که در باب دفاع وجود دارند، برای مثال، برخورد تند و خشن صرفاً در صورتی مجاز است که ممانعت با شیوه ساده‌تر امکان‌پذیر نبوده و فرد متجاوز بر کار ضد اخلاقی خود اصرار داشته باشد.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که در اسلام احترام منزل با عناوین متعددی: مانند محدودیت ورود، محدودیت حضور، محدودیت نگاه مطرح شده است که آن را بطور اختصار می‌توان در جدول ذیل نشان داد:

ردیف	عنوان	آیه و روایات مربوط	حکم
۱	محدودیت ورود	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا	حرمت ورود به خانه دیگران بدون اطلاع
۲	محدودیت حضور	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ	ورود به خلوت دیگران منوط به اذن گرفتن
۳	محدودیت نگاه	بینما رسول الله (ص) فی بعض حجراته	دفاع از حریم خصوصی

هر سه حکم بدست آمده از آیات و روایات مذکور، حاکی از آنست که حریم خصوصی انسان‌ها ارزشمند بوده، و از منظر اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، به همین دلیل در فقه شیعه هم، حفظ حریم خصوصی افراد از اصول بنیادینی است که ریشه در نصوص دینی و استنباط‌های فقهی دارد و با ظهور فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی (AI)، اهمیت آن بیش از پیش نمایان شده است. آیه ۲۷ سوره نور، همانطور که توضیح آن گذشت، که به صراحت بر لزوم کسب اجازه پیش از ورود به منزل افراد تأکید دارد، مبنای قرآنی این موضوع است و ورود بدون رضایت را عملی حرام و ناقض شریعت می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۱۰). این اصل، نه تنها به حریم فیزیکی منزل، بلکه به هرگونه تعرض به امور شخصی افراد تعمیم داده شده است. در عصر حاضر، هوش مصنوعی با ابزارهایی نظیر دوربین‌های هوشمند، سیستم‌های تشخیص چهره و الگوریتم‌های تحلیل داده، قادر است بدون اطلاع یا رضایت افراد، به حریم خصوصی آن‌ها نفوذ کند، امری که از منظر فقهی نیازمند بررسی دقیق است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۶۸). شیخ طوسی در النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی ورود غیرمجاز به حریم افراد را مصداق بارز تعدی به حقوق شرعی دانسته و آن را مستوجب عقوبت می‌شمارد (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۴۵). این دیدگاه با روایات متعددی از معصومان (ع) تقویت می‌شود. به عنوان مثال، در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «لا تجسسوا فی أمور الناس» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۴)، که به معنای حرمت تجسس در امور خصوصی افراد است و این حرمت، شامل هرگونه نفوذ به حریم شخصی، حتی با ابزارهای فناورانه،

می‌شود. مرحوم نجفی در جواهر الکلام نیز با استناد به این مبانی، نقض حریم خصوصی را عملی برخلاف شرع و قابل پیگرد فقهی تلقی کرده و بر لزوم جرم‌انگاری آن تأکید دارد (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۲۱، ص ۱۱۲).

از سوی دیگر، علامه حلی در تحریر الاحکام الشرعیة منزل را به‌عنوان حریم امن افراد معرفی کرده و هرگونه تعرض به آن، چه به صورت فیزیکی و چه غیرمستقیم، را نفی می‌کند (حلی، ۱۳۸۰ق، ج ۳، ص ۱۸۹). این دیدگاه با نظر شیخ انصاری در مکاسب هم‌راستاست که حفظ حرمت حریم را از مصادیق احترام به مالکیت و حقوق فردی می‌داند و هرگونه نقض آن را حرام اعلام می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۲۱). در این چارچوب، استفاده از هوش مصنوعی برای ورود به حریم افراد، مانند جمع‌آوری داده‌های شخصی بدون رضایت یا نظارت بر رفتارهای خصوصی از طریق فناوری‌های پیشرفته، به مثابه تجاوز به این حریم امن تلقی می‌شود.

در شرایط کنونی، گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی در ایران و جهان، از جمله استفاده از سیستم‌های نظارتی در اماکن عمومی یا تحلیل داده‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، این تهدید را تشدید کرده است. این ابزارها، بدون اطلاع صریح یا رضایت آگاهانه افراد، اطلاعات حساس را جمع‌آوری و ذخیره می‌کنند که از منظر فقهی، مصداق بارز تجسس و تعدی به حریم خصوصی است (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۰). فقدان قوانین جامع در ایران برای تنظیم این فناوری‌ها، خلأیی را ایجاد کرده که ضرورت تدوین احکام فقهی و حقوقی متناسب با شرایط نوین را نشان می‌دهد.

در نتیجه، از دیدگاه فقه شیعه، نقض حریم و منزل افراد توسط هوش مصنوعی، عملی حرام و قابل جرم‌انگاری است. این موضوع نه تنها نیازمند بازنگری در احکام سنتی، بلکه تدوین ضوابطی دقیق برای انطباق فناوری با اصول شرعی است تا حرمت حریم خصوصی افراد حفظ شود.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت:

هوش مصنوعی با ابزارهایی نظیر دوربین‌های نظارتی هوشمند، حسگرهای خانگی و الگوریتم‌های تحلیل داده، امکان نفوذ غیرفیزیکی به حریم منزل را فراهم کرده است. این فناوری‌ها، که گاه برای مصلحت عامه مانند تأمین امنیت محله یا مدیریت مصرف انرژی به کار می‌روند، می‌توانند بدون اطلاع یا رضایت صریح ساکنان، داده‌های حساس (مانند الگوهای رفتاری، تصاویر خصوصی یا مکالمات) را جمع‌آوری کنند. از منظر فقه شیعه، این نفوذ مصداق تعرض به حریم مقدس منزل است که در آیه ۲۷ سوره نور و روایات متعدد مانند حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «شَرُّ النَّاسِ الظَّالِمُونَ وَ شَرُّ الظَّالِمِينَ الْمُتَجَسِّسُونَ وَ شَرُّ الْمُتَجَسِّسِينَ الْقَوَّالُونَ وَ شَرُّ الْقَوَّالِينَ الْهَتَّاكُونَ»، (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹،

ص ۱۴۷، باب ۱۴) به شدت نهی شده است. چالشی اساسی در این حوزه، تعارض میان مصلحت عامه و حق حریم خصوصی منزل است. برای مثال، استفاده از دوربین‌های هوشمند در اماکن عمومی یا مجتمع‌های مسکونی برای پیشگیری از جرم، ممکن است به نظارت غیرمجاز بر فضای خصوصی منازل منجر شود. از منظر فقهی، قاعده «تزام» (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۲) برای حل این تعارض به کار می‌رود. قاعده «مصلحت اهم» ایجاب می‌کند که مصلحت عمومی، مانند امنیت، تنها در صورتی مقدم شود که حدود شرعی رعایت گردد و رضایت آگاهانه ساکنان اخذ شده باشد. با این حال، رضایت‌های مبهم یا ضمنی (مانند قراردادهای کلی مدیریت ساختمان) اغلب فاقد شروط فقهی رضایت، نظیر علم به موضوع و اختیار، هستند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۰). قاعده «لا ضرر» (شیخ الشریعه اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۱) نیز هرگونه نقض حریم خصوصی را که به ضرر ساکنان باشد، ممنوع می‌داند.

شیخ طوسی در «النهاية» ورود غیرمجاز به حریم افراد را مستوجب عقوبت می‌شمارد (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۴۵). در عصر دیجیتال، این حکم به نفوذهای فناورانه تعمیم می‌یابد. برای رفع این چالش، لازم است ضوابط فقهی نظیر الزام به شفافیت در کاربرد فناوری، اخذ رضایت صریح و نظارت شرعی بر سیستم‌های نظارتی تدوین شود. حاکم اسلامی می‌تواند با استناد به قاعده «حفظ نظام»، چارچوبی برای استفاده مشروع از هوش مصنوعی در راستای مصلحت عامه ارائه دهد که حریم منزل را مصون نگه دارد.

۶. تعارض مصلحت عامه و حق حریم خصوصی (تحلیل فقهی در مواجهه با هوش مصنوعی)

هوش مصنوعی با قابلیت جمع‌آوری و تحلیل کلان‌داده‌ها، امکاناتی نظیر ارتقای امنیت عمومی، پیشرفت‌های پزشکی و بهینه‌سازی خدمات را فراهم می‌کند که به مصلحت عامه خدمت می‌کنند. با این حال، این کاربردها اغلب با نقض حریم خصوصی همراهند، حتی اگر رضایت ظاهری کاربران اخذ شده باشد. این تعارض، پرسش‌های فقهی عمیقی را مطرح می‌کند: آیا مصلحت عامه بر حق حریم خصوصی مقدم است؟ و آیا رضایت‌های دیجیتال از منظر فقهی معتبرند؟ از منظر فقه شیعه، قاعده «تزام» برای حل تعارض میان ادله حفظ حریم خصوصی مانند حرمت تجسس و مصلحت عامه مانند حفظ نظام (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۲) به کار می‌رود. قاعده «مصلحت اهم» ایجاب می‌کند که مصلحت عمومی در مواردی مانند امنیت یا سلامت عمومی، مشروط به رعایت حدود شرعی، اولویت یابد. با این حال، نقض حریم خصوصی بدون ضوابط مشخص، به دلیل احتمال مفاسد اخلاقی مانند: اشاعه فحشا (نور/۱۹) یا لطمه به حیثیت افراد، توجیه‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۵).

رضایت‌های دیجیتال، مانند شرایط استفاده در اپلیکیشن‌ها، اغلب فاقد شروط فقهی رضایت آگاهانه (علم به موضوع، قصد و رضا) هستند، زیرا کاربران از نحوه استفاده آتی داده‌ها بی‌اطلاعند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۷۰). قاعده «لا ضرر» (شیخ الشریعه اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۰) تأکید می‌کند که رضایت مبهم، مجوز نقض حریم خصوصی نیست. همچنین، ماهیت «جعبه سیاه» الگوریتم‌های هوش مصنوعی، احراز مسئولیت فقهی در سوءاستفاده‌ها (مانند افشای داده‌ها یا تولید محتوای جعلی) را دشوار می‌کند. قاعده «ضمان» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۲۱) ایجاب می‌کند که توسعه‌دهندگان یا نهادهای ناظر مسئول خسارات ناشی از نقض حریم خصوصی باشند.

برای حل این تعارض، تدوین ضوابط فقهی مبتنی بر شفافیت الگوریتم‌ها، اخذ رضایت صریح و آگاهانه، و نظارت شرعی ضروری است. حاکم اسلامی می‌تواند با استناد به مصلحت اهم، چارچوب‌هایی برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی وضع کند که تعادل میان مصلحت عامه و حقوق فردی را حفظ کند. این رویکرد، ضمن بهره‌مندی از فناوری، از ارزش‌های اسلامی محافظت می‌کند.

۶. احترام به حیثیت افراد

اهمیت آبرو و عرض، مال و عمل شخص مؤمن به قدری در پیشگاه فقیهان محترم و با ارزش بوده که با استفاده از آیات و روایات اقدام به تأسیس قاعده‌ای فقهی به نام «قاعده احترام مال مسلم» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۱۸) در همین خصوص کرده‌اند که از اهم قواعد فقهی کاربردی در باب‌های مختلف فقه به شمار می‌آید.

الف. شهید ثانی می‌نویسد:

«و الأقوی وجوب الدفع عن النفس والحريم مع الإمكان» (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۵۰)

اهمیت عرض مؤمن در متون فقهی تا جایی است که فقیه بزرگوار کاشف‌الغطاء در بیان مسائل حج می‌فرمایند:

«ولو افتقر فی المسیر إلى القتال، و اطمأنّ بالسلامة، و جب علیه السیر و المقاتلة، ... ولو خاف من العدو و بسبب سفره أن یقتل مؤمناً أو یهتک عرض مومن، سقط الوجوب ...» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۸۷)

«اگر در مسیر سفر به حج احتیاج به جنگ کردن باشد و انسان اطمینان به سالم رسیدن داشته باشد واجب است که این راه و مسیر را برود و در راه هم جنگ نماید».

وی در ادامه می‌فرماید:

«ولی اگر ترس از دشمن بدین صورت باشد که در سفر مومنی کشته شود یا عرض و آبروی او مورد هتک قرار گیرد حج از او ساقط است».

ب. علامه مامقانی در باب غیبت و در بیان مراد از مومن می‌فرماید:

«بالجمله عموم أدلة الغيبة و خصوص ذکر المسلم يدل على التحريم (مطلقاً) و أن عرض المسلم كدمه و ماله فكما لايجوز أخذ مال المخالف و قتله لايجوز تناول عرضه الذي هو الغيبة» (مامقانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۱۱).

«... و همانا عرض و آبروی مسلمان مثل خونس و مالش است و همان‌طور که نمی‌شود مالش و جاننش را به زور (با مخالفتش) گرفت همچنان نمی‌شود و جایز نیست دست رساندن (خوردن و از بین بردن) آبرویش (خوردنی و از بین بردنی که با غیبت صورت می‌گیرد).

امام خمینی در بیان حکم تقیه زمانی که ترسی از عرض و آبرو و یا مال مؤمنی باشد می‌فرماید:

«الظاهر عدم جواز التمسك له بمطلقات أدلة التقية، لأنّ عنوانها غير صادق ظاهراً إلا على الخوف على ما يتعلّق بالمتقى من النفس و العرض و المال، سواء كان منه أو ممن يتعلّق به الذي بمنزلة...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴۳)

«ظاهر عدم جواز تمسک به مطلقات ادله تقیه (جواز انجام مقدمات حرام در تقیه اکراهیه و اضطراریه) است زیرا این‌جا عنوان تقیه اکراهیه و اضطراریه صادق نیست، مگر این که ترس بر آنچه که متعلق است به شخص متقی که شامل جان، عرض و آبرو و مالش است خواه مال خودش باشد و یا برای شخصی باشد که به منزله شخص متقی است».

آیت‌الله تبریزی در باب غیبت می‌فرماید:

«أنه لايجوز اظهار مافيه نقض عرض المؤمن و سقوطه عن أعين الناس» (تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹۲)

«همانا جایز نیست بیان آن چیزی که باعث کاسته شدن آبروی مؤمن و افتادن آن از جلوی چشم مردم باشد (منظور تنزل موقعیت اجتماعی است)».

در روایات و متون فقهی عبارتهایی است که حتی کاسته شدن از آبرو مؤمن نیز امری نارواست چه رسد که باعث از بین رفتن آبروی مسلمان و مؤمنی گردد. لذا با توجه به مطالب عرضه شده هرگونه لطمه زدن به آبرو و عرض شخص مسلمان جایز نبوده و حرام به شمار می‌آید.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت: در فقه شیعه، احترام به حیثیت و آبروی افراد از اصول اساسی است که با استناد به قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته و در مواجهه با فناوری هوش مصنوعی (AI) و نقض حریم خصوصی، اهمیت مضاعفی می‌یابد. آیه ۱۱

سوره حجرات بر حرمت هتك حرمت و تحقیر افراد دلالت دارد و هرگونه اقدام که به حیثیت انسان لطمه زند را نهی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۴۵). این اصل در موضوع جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، که می‌تواند با افشای اطلاعات شخصی به آبروی افراد آسیب رساند، جایگاه ویژه‌ای دارد.

از منظر روایی، امام باقر (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «حفظ آبرو از حفظ جان مهم‌تر است»، که نشان‌دهنده تقدم حیثیت بر سایر حقوق در شریعت است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۹۲). هوش مصنوعی، با قابلیت‌هایی نظیر تحلیل داده‌های شخصی یا انتشار اطلاعات حساس از طریق الگوریتم‌ها، می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حیثیت افراد را مخدوش کند. به عنوان مثال، افشای داده‌های پزشکی یا مالی توسط سیستم‌های هوشمند بدون رضایت، مصداقی از هتك حرمت است که در فقه شیعه محکوم است.

شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه حفظ آبروی مؤمن را وظیفه شرعی دانسته و هر عملی که به این حیثیت خدشه وارد کند را گناهی کبیره تلقی کرده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۸). در این راستا، استفاده از هوش مصنوعی برای نظارت غیرمجاز یا سوءاستفاده از اطلاعات شخصی، مانند انتشار تصاویر خصوصی یا تحلیل رفتارهای فردی بدون اجازه، از منظر فقهی عملی ناپسند و قابل پیگرد است. مرحوم فیض کاشانی نیز در وافی بر این نکته تأکید دارد که حیثیت انسان، امانتی الهی است و تعرض به آن، نقض این امانت محسوب می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۱۲۳).

در نظام فقهی شیعه، جرم‌انگاری چنین اعمالی نه تنها به حفظ حقوق فردی کمک می‌کند، بلکه از منظر اجتماعی نیز از فروپاشی اعتماد عمومی جلوگیری می‌کند. با توجه به گسترش کاربرد هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف، از جمله امنیت و تجارت، لزوم تدوین ضوابط شرعی برای جلوگیری از لطمه به حیثیت افراد بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین، احترام به حیثیت از دیدگاه فقه شیعه، مبنایی قوی برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی فراهم می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

نقض حریم خصوصی توسط هوش مصنوعی، با توجه به توانایی‌های بی‌سابقه این فناوری در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، چالش‌های نوینی را در برابر فقه اسلامی قرار داده است. این پژوهش نشان داد که اصول فقهی مانند احترام به حریم منزل، جلوگیری از اشاعه فحشا، و حفظ حیثیت افراد، مبنایی محکمی برای جرم‌انگاری این پدیده فراهم می‌کنند.

با این حال، یکی از چالش‌های اساسی، تعارض میان مصالح عمومی (مانند امنیت و پیشرفت پزشکی) و حق بنیادین حریم خصوصی است. این تعارض زمانی پیچیده‌تر می‌شود که رضایت کاربران، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و عدم شفافیت، فاقد شروط فقهی رضایت آگاهانه باشد. همچنین، ماهیت جعبه سیاه الگوریتم‌های هوش مصنوعی، احراز مسئولیت فقهی در قبال سوءاستفاده‌ها را دشوار می‌سازد. برای رفع این چالش‌ها، تدوین ضوابط فقهی مبتنی بر قواعد تراحم، مصلحت‌اهم، و شروط صحت عقود ضروری است. این ضوابط باید شفافیت الگوریتم‌ها، اخذ رضایت صریح، و نظارت شرعی بر کاربردهای هوش مصنوعی را تضمین کنند. همکاری میان فقها، حقوق‌دانان، و متخصصان فناوری می‌تواند چارچوبی جامع برای حفظ توازن میان پیشرفت فناوری و پایبندی به ارزش‌های اسلامی ارائه دهد، تا هم از مزایای هوش مصنوعی بهره‌مند شویم و هم از حقوق فردی و اخلاقی جامعه محافظت کنیم.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۲ق). من لایحضره الفقیه. ج ۳. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر والتنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.
۵. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. ج ۵. قم: انتشارات کنگره شیخ انصاری.
۶. تبریزی، جواد. (۱۳۸۳)، ارشاد الی التعليق علی المکاسب. ج ۴. قم: دارالصدیقه الشهیده.
۷. جبعی عاملی، زین الدین. (۱۴۱۶ق). مسالک الافهام. ج ۱. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة وصحاح العربیة، ج ۱، بیروت: دار العلم للملایین.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ج ۱۱. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۰. حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۰ق). تحریر الاحکام الشرعیة. ج ۳. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. ج ۱۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۳. رحیمی، حسین؛ احمدی، محمود؛ حسینی، سعید. (۱۳۹۹). هوش مصنوعی و چالش های حقوقی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. زبیدی، محب الدین محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۱. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۵. شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمدجواد. (بی تا). قاعدة لاضرر. قم: جامعه مدرسین.
۱۶. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۷. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (ترجمه محمد موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان. چ ۱. بیروت: انتشارات دار المعرفه.
۱۹. طوسی محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف. چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق)، التبیان. مطبعة مكتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق)، کتاب العین. چ ۲. قم: نشر هجرت.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. ج ۱۴ اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
۲۴. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر. قم: موسسه دارالهجرة.
۲۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حکومت قانون و جامعه مدنی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۷۲.
۲۶. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء. چ ۱. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. کریمی، علی. (۱۴۰۰). فناوری تشخیص چهره و پیامدهای آن بر حریم خصوصی. مجله حقوق فناوری، جلد ۱۲.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ق). الکافی. (تصحیح علی اکبر غفاری). چ ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۹. مامقانی، محمدحسن بن عبدالله. (۱۴۲۳ق). غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب. قم: مجمع الذخائر الاسلامیة.
۳۰. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. ج ۷۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۶ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. چ ۸. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). مجموعه آثار. ج ۲. تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. ج ۲۲. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیة. چ ۳. قم: مدرسه امام امیر المؤمنین (ع).

۳۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). المكاسب المحرمه . قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۰). تحرير الوسيلة. ج ۲. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
۳۸. موسوی، سید محمد. (۱۳۹۷). حریم خصوصی در فقه اسلامی. قم: انتشارات دارالفکر.
۳۹. نجفی، محمد حسن. (۱۳۹۸ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۴۰. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث .
۴۱. یزدانی، نادر. (۱۳۹۸). شبکه های اجتماعی و حریم خصوصی کاربران در عصر دیجیتال. فصلنامه مطالعات رسانه ای، شماره ۵، صفحات ۱۰۲-۱۱۵.
۴۲. West, Sarah M. (۲۰۲۱). Data Capitalism: Redefining Privacy in the Age of AI. New York: MIT Press, page ۳۵.